امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف احياگر قرآن و سنت

سردبير

اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام در فرازي از نهج البلاغه مي‌فرمايند:

او ـ امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ـ خواسته‌ها را تابع هدايت وحي مي‌كند، هنگامي كه مردم هدايت را تابع هوس‌هاي خويش قرار مي‌دهند، در حالي‌كه به نام تفسير، نظريه‌هاي گوناگون خود را بر قرآن تحميل مي‌كنند، او نظر‌ها و انديشه‌ها را تابع قرآن مي‌سازد… و كتاب خدا و سنت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم را كه تا آن روز متروك ماندند، زنده مي‌كند.[1]

بيانات نوراني فوق بيان كننده يك حقيقت و يادآور خطري جدي براي همه مسلمانان به ويژه مردم اين زمان است، مشكل ما مسلمانان اين است كه براي درمان دردهاي پيدا و پنهان‌مان، به جاي دريافت صحيح از نسخه‌هاي شفابخش آيات قرآن گاهي چنان مقهور هوا و هوس مي‌شويم كه خواسته‌هاي نفساني‌مان را بر آن ترجيح داده و حتي تلاش مي‌كنيم قرآن را تابع خواسته‌هاي نادرست خود نمائيم. و اين همان خطري است كه اميرالمؤمنين عليه السلام ما را بدان هشدار مي‌دهد كه امروز ما آن را به نام «تفسير به رأي» مي‌شناسيم. البته اين امر ممكن است مصاديق مختلفي داشته باشد، زيرا تفسير به رأي، گاهي تفسير قرآن بر خلاف موازين علم لغت و ادبيات عرب و فهم اهل زبان و تطبيق دادن آن بر پندارها و خيالات باطل وتمايلات شخصي و گروهي مي‌شود[2] و گاهي ممكن است آيات قرآن را بر اساس نظر و عقيده خويش تفسير نمايند، نه بر اساس حقيقت كلام وحي، و حتي ممكن است مفهوم آيه‌اي را آن چنان كه قواعد ادبي و سنت اقتضا مي‌كند بپذيريم، ولي در تطبيق آن بر مصاديق مرتكب تحريف شويم و چيزي كه مصداق آن نيست، بر طبق سليقه شخصي خود مصداق قرار دهيم؛ همه اين‌گونه رفتارها تفسير به رأي تلقي مي‌شود كه قرآن ما را از آن نهي كرده است، (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ)[3]

و اين عمل در سيره معصومين عليهم السلام در روايات عديده نظير: «من فسر القران برأيه فليتبوأ مقعده من النار»[4] و «من فسر برأيه آيه من كتاب الله فقد كفر»[5] و يا «ما آمَنَ بي‌من فسّر برأيه كلامي»[6] مورد نكوهش قرار گرفته است.

در اين زمان كه عصر غيبت است، شاهد افزايش بدعت‌ها، تأويل‌ها و پيرايه‌ها هستيم كه مصداق «عطفوا القرآن علي الراي» است. امروزه انديشه‌هاي كهنه ابن تيميه‌ها را مي‌توان در قالب سلفي‌گري معاصر در حوزه‌هاي مختلف دين در برداشت‌هاي تحميلي و سطحي آنان از آيات نوراني قرآن و سنت نبوي به وضوح مشاهده كرد كه چگونه با قرائت‌هاي بي‌مبناي خود ويروس تفرقه و جدايي را بين امت مسلمان ايجاد كرده و بطوريكه هر روز شاهد فرقه‌هاي نوظهور انحرافي در جهان اسلام مي‌باشيم؛ امروز سرزمين وحي (مكه و مدينه) گرفتار اقليتي كج فهم كه هدفي جز احياي جاهليت نوين ندارند، شده است، كساني كه فقط به ظواهر قرآن و برداشت‌هاي بدعت آميز از سنت بسنده كرده‌اند و از حقيقت و روح تعاليم آسماني قرآن و سنت غفلت ورزيدند، آنان بسياري از واجبات دين نظير آيات جهاد و مبارزه عليه شرك و كفر و حمايت از مسلمانان، و مظلومان و محرومان را به فراموشي سپرده و در مقابل برخي از محرمات را با حيله‌هاي گوناگون و تأويل صوري جايز مي‌شمارند و احكام دين را به دلخواه تأويل مي‌كنند و از قرآن فقط به قرائت و تجويد و احترام ظاهري آن اكتفا مي‌نمايند.

در چنين حالتي بايد پرسيد، وظيفه عالمان روشن ضمير در عصر غيبت چيست؟ آيا عالمان دين ـ شيعه و سني ـ در قبال برداشت‌هاي غلط و تفسير به راي آنان مسئوليتي ندارند؟ چه كسي بايد گرد و غبار تفسير‌هاي هوس آلود آنان را از ساحت دين بزدايد؟ عالمان دين به عنوان سنگربانان حفظ ميراث اسلامي، وظيفه‌اي بس سترگ بر دوش دارند كه همان تفسير صحيح قرآن، احياي سنت نبوي و علوي، احياي ارزش‌هاي ديني و كرامت اخلاقي، حفظ وحدت مسلمانان و جلوگيري از بروز هرگونه عامل يا عوامل تفرقه، حفظ هويت ديني مسلمانان در پرتو بسط و گسترش تعاليم قرآني و... مي‌باشد. عالم دين هيچگاه نمي‌تواند در برابر سيطره بيگانگان بر منابع مادي و معنوي سكوت كند، او نمي‌تواند توجيه‌گر كارهاي خلاف شرع سلاطين و حكام جور باشد، او كتاب الهي را به عنوان وديعه الهي در دست بشر و مصباح هدايت مي‌بيند، او در درد و رنج برادران مسلمان خود آرام و قرار ندارد و در كلام آنان خود را شريك مي‌بيند، و… چنين عالمي را مي‌توان انساني بصير و با درايت و تدبير و بسترساز براي ظهور حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف دانست نه آنانكه مدعيان دروغين‌اند؛ او چراغ اميدواري را روشن نگاه مي‌دارد تا دل‌هاي مالامال از عشق به خدا همچنان اميدوار باشند تا وعده الهي محقق شود، چرا كه راه و روش او همسان پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم است. امام صادق عليه السلام در اين زمينه مي‌فرمايد:

«راه و روش او، چون پيامبر است، يعني هرچه پيش او باشد ويران مي‌كند، چنان كه پيامبر جاهليت را ويران ساخت و اسلام را از نو مي‌نماياند».[7] به اميد آن روز.

در پايان بر خود لازم مي‌دانم از برادر ارجمند جناب حجت الاسلام آقاي دكتر غلامرضا بهروزلك كه چندي سر دبيري فصلنامه انتظار موعود را برعهده داشتند كمال تشكر و امتنان را داشته و از كناره‌گيري ايشان به دليل كثرت مشاغل و نبود فراغ لازم، ابراز تأسف نمايم. اميدوارم همواره از نظرات ارزشمند ايشان در پويايي فصلنامه بهره‌مند باشيم.

[1]. «يعطف الهوي علي الهدي، و يعطف الرأي علي القرآن اذا عطفوا القرآن علي الرأي… و يحيي ميّت الكتاب و السنة.» (نهج البلاغه، خطبه138، ص182).

[2]. راغب اصفهاني، المفردات، واژه رأي.

[3]. اعراف (7): 100.

[4]. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان، ج3، ص75، (به نقل از رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم).

[5]. بحراني، سيدهاشم، برهان، ج1، ص19 (به نقل از امام صادق عليهم السلام).

[6]. حر عاملي، محمدبن الحسن، وسايل الشيعه، ج18، ص28، ح22 (رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم از خداوند متعال).

[7]. نعماني، محمد، الغيبة، ص231.